

تأثیر فرهنگ بر فرم خانه‌های بومی شمال ایران، مورد مطالعاتی: خانه‌های بومی بابل و بابلسر*

امین جعفری^۱ - حسین ذبیحی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۷ تاریخ اصلاحات: ۹۹/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار: ۰۰/۰۶/۳۱

چکیده

معماری بومی هر منطقه تحت تأثیر اقلیم، فرهنگ و معیشت مردم شکل می‌گیرد؛ بر همین اساس شکل خانه‌ها در این مناطق تحت تأثیر عوامل متعددی می‌باشد که تمامی این عوامل از لحاظ میزان اهمیت و اثرگذاری در یک سطح قرار نخواهند داشت. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها، فرهنگ می‌باشد. با بیان این مشکل هدف اصلی این پژوهش بررسی شناخت و معرفی برخی از ویژگی‌های معماری بومی و فرهنگی مسکن شمال ایران در گذشته جهت بهره‌برداری در خانه‌های معاصر می‌باشد که براساس دو نگرش بومی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای دستیابی به اهداف پژوهش با روش ترکیبی نمونه‌های موردی با برداشت میدانی خانه‌های بومی روستایی حوزه مرکزی استان مازندران در شهرستان‌های بابل و بابلسر، مورد بررسی قرار گرفته شد. جهت تعمیم هر چه بهتر نتایج داده‌های به‌دست آمده از مطالعات بررسی شده بر روی نمونه‌ها، آن‌ها را به صورت تصادفی و در منطقه‌هایی که پراکندگی مناسب برای پوشش دادن کل منطقه را داشته باشد، انتخاب شدند و نیز در روش کیفی با مطالعه مردم‌شناسی از طریق مصاحبه با ساکنان این خانه‌ها، به مؤلفه‌های فرهنگی و سبک زندگی تأثیرگذار بر فرم خانه‌ها پرداختیم و در نهایت نتایج به صورت جداولی که در آن‌ها مقوله فرهنگ در ارتباط با شکل خانه مشخص شده، ارائه شد؛ نتایج بررسی روی نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر مؤید این نکته است که کشف نحوه تأثیرپذیری شکل خانه از فرهنگ در گرو شناخت وجوه مختلف و عناصر محتوایی فرهنگ و ارتباط آن‌ها باهم می‌باشد. این عناصر، به صورت سلسله‌مراتبی از درونی‌ترین سطح تا بیرونی‌ترین سطح، با هم ارتباط داشته و در معماری خانه شکل و جهت می‌دهند.

واژگان کلیدی: معماری بومی، فرهنگ، شکل خانه، گونه‌شناسی، سبک زندگی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان «تبیین نقش فرهنگ و اقلیم در فرم خانه‌های بومی مازندران در بستر معماری معاصر ایران» است که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

** E_mail: hosseinzabih@hotmail.com

۱. مقدمه

توانایی معماری بومی در ساخت ساختمان‌هایی است که هماهنگی ذاتی با اقلیم و فرهنگ داشته و فرم غالبی را برای ساکنین شکل می‌دهد (Wang & Liu, 2002). معماری بومی در طی این سال‌ها با پیشرفت همراه بوده که در این میان عواملی همچون فرهنگ و آب‌وهوا نقش مهمی را ایفا کرده است (Singh, Mahapatra, & Atreya, 2009). ساختمان‌های بومی هر منطقه حاصل تجربیات جمع‌آوری شده زیادی از سنت‌ها و ارزش‌ها است. استفاده از مصالح محلی و بومی و همگنی این مصالح با محیط، فرهنگ و اقلیم پیرامون، عواملی هستند که هویت معماری مجزایی را برای یک منطقه به وجود می‌آورند (Oikon-omou, & Bougiatioti, 2011). با ساکمان^۱ مشخصه‌های معماری بومی را به دو اصل معاصر و پایدار (دایمی) نسبت می‌دهد. واقعیات اساسی و مفهومی مانند: انعکاس، شیوه زندگی در محیط، تفکر در مصالح و ساختار و تفسیر ساختار ساختمان، روابط محیطی و در مجموع ترکیب آن‌ها، ممکن است برای هر دوره و زمان معتبر باشد (Başakman, 1991).

یکی از پدیده‌های مهم فرهنگی ساختن یک خانه است، به طوری که ساختار و شکل خانه، کالبد و سازمان فضایی آن، تأثیرپذیری بسیار زیادی از محیط فرهنگی آن منطقه دارد (راپاپورت، ۱۳۸۸)؛ با توجه به این که می‌دانیم شناسنامه هر ملت فرهنگ آن ملت است در نتیجه ملتی که شناسنامه ندارد عملاً هویتی نیز نخواهد داشت (Kara-na, Barati, Rognoli, & Zeeuw Van Der Laan, 2018). فرهنگ مجموعه‌ای مشترک و قابل قبول بین دانش‌ها و ارزش‌هایی هست که از بینش خاصی پیروی می‌کند که برای ایجاد هویت به صورت یک سری اصول و منش در جامعه ارائه می‌شود (Varmaghani, Soltanzadeh, & Tahae, 2019). از آنجایی که جایگاه و اهمیت مقوله فرهنگی در شکل‌دهی به ساختار کالبدی و سازمان فضایی خانه‌ها تأثیر می‌گذارد، شناخت تمامی عناصر محتوایی در فرهنگ، بر مقوله طراحی و شکل خانه نیز مؤثر بوده است (Juergensmeyer & Anhe, 2011).

برای پایداری اجتماعی محل سکونت کنونی افراد باید هم چنان نظام و فرهنگ موجود بر خانه و محلات گذشته، که نتیجه تعامل انسان با محیط است، حفظ و بازسازی شود؛ زیرا این رابطه دو طرفه بین محیط کالبدی و رفتار انسانی هویت فرهنگی را شکل می‌دهد. هر نوع عملکرد و رفتار و اعتقادات افراد، محیط کالبدی مناسب خود را لازم دارد. از این رو روان‌شناسی محیط و شاخه‌های مرتبط با آن می‌تواند رابطه بین حریم خصوصی با عرصه‌های زندگی اجتماعی و رفتار انسان را بیان کند؛ رفتاری که نتیجه انگیزش‌های درونی و تعالیم دینی ماست (علی‌آبادی، ۱۳۹۰). نکته مهم دیگری که در حوزه روانشناسی بوم‌شناختی نیز وجود دارد اهمیت دادن به ابعاد کالبدی فضایی محیط، به عنوان عامل

تعیین‌کننده رفتار انسان و روابط بین فردی، درون گروهی و اجتماعی می‌باشد، چرا که انسان و محیط به شکل پویا موجب تکامل هم دیگر می‌شوند. پژوهشگران در خصوص وجه فرهنگی معماری معتقد هستند که خانه بیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکردی چند بعدی که از اجتماع، فرهنگ، آئین مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی تأثیر می‌گیرد. از آن جا که ساخت خانه خود یک فرهنگ محسوب می‌شود، شکل و ساختار آن نیز از فرهنگ تأثیر می‌گیرد به نوعی که خانه محصول آن به حساب می‌آید (قربانی سی‌سخت و یزدانیور، ۱۳۹۲).

در این نوشتار قصد بر این است تا با شناخت وجوه مذکور و رابطه آن‌ها با هم، مقوله فرهنگ به سطوح کوچک‌تری که در ارتباط با هم و به صورت سلسله‌مراتبی روی شکل خانه اثر می‌گذارند پرداخته شود. ابتدا مدلی برای سطح‌بندی مذکور ارائه می‌شود و سپس مدل مذکور به صورت موردی در رابطه با معماری خانه‌های بومی بابل و بابلسر به صورت تطبیقی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در انتها با سطح‌بندی عناصر محتوایی منتج از فرهنگ جامعه، سلسله‌مراتب و نحوه تأثیر آن‌ها بر شکل خانه‌های بومی نمونه مذکور، مشخص و در قالب جداولی ارائه خواهد شد. بر این اساس، سؤالات زیر برای رسیدن به اهداف مطالعه مطرح شده‌اند:

۱. عناصر محتوای فرهنگ بر فرم خانه‌های بومی شمال ایران چگونه تأثیر گذارده است؟
۲. سبک زندگی چه تأثیری بر فرم خانه‌های بومی شمال ایران گذاشته است؟

۲. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته و اطلاعات به دست آمده نیز به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است؛ لذا بر این اساس، مدل مورد نظر در این پژوهش برای ایجاد ارتباط منظم بین فرهنگ و شکل خانه طراحی شده است. داده‌های حاصل در رابطه با شکل خانه‌های بومی منطقه مرکزی استان مازندران، بابل و بابلسر به عنوان نمونه‌ای از مطالعات معماری بومی شمال ایران مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت. انتخاب روستاها با هدف این‌که نتایج حاصل از نمونه‌ها قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را دارا باشند، انجام شد. همچنین نمونه‌ها به صورت تصادفی با پراکندگی مناسب جهت پوشش‌دادن به کل منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند. در بخش عملی به چند روستای این منطقه مراجعه نموده و ضمن مشاهدات حضوری (برداشت نقشه، عکس‌برداری) با ساکنان آن‌ها مصاحبه شد، مصاحبه‌شوندگان از افرادی برگزیده شدند که مدت زیادی در روستا سکونت داشتند و از اطلاعات کافی برخوردار بودند.

در نهایت داده‌های به دست آمده با استفاده از روش مطالعه تطبیقی به همراه استدلال‌های منطقی در رابطه

واسطی اشاره می‌نماید (Schein, 2010).

تاکنون تحقیق میدانی در خصوص خانه‌های بومی روستایی منطقه مرکزی مازندران صورت نگرفته است، اما پژوهش‌های زیر به‌عنوان کارهای مرتبط با پژوهش حاضر قابل توجه است، هر چند به گونه مستقیم به موضوع مورد بحث نپرداخته است:

- محمدرضا حائری مازندرانی در کتاب خانه، فرهنگ، طبیعت، برخی از خانه‌های سنتی شهرهای رشت، همدان، کاشان، بوشهر و شیراز را تحت بررسی و تحقیق قرار داده و آن‌ها را با خانه‌های معاصر مقایسه نموده است. بخشی از کتاب بررسی شیوه زندگی و سازمان فضایی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر است که هدف آن را فهم تأثیر متقابل شیوه زندگی و شیوه شهرنشینی بر سازمان فضایی خانه، بیان می‌کند (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸).

- در مجموعه تحقیقات آرتور ابهام پوپ، کریم پیرنیا، کریستین برومبرژه و نادر اردلان و همچنین نوشته‌هایی از جعفر شهری، عبدالله مستوفی و ناصر نجم، می‌توان به نقش فرهنگ بر معماری خانه‌های بومی مازندران پی‌برد به‌طوری‌که هر یک از این موارد می‌توانند جهت دستیابی به معیارهای طراحی برای خانه‌های معاصر در نظر گرفته شود و پژوهش‌های عمیق‌تری در این خصوص صورت پذیرد (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸).

- جواد عبدالحسینی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «سازگاری نمودن طراحی منزل‌های مسکونی در تبریز و باکو با فرهنگ و اقلیم بومی» به منظور بررسی تحولات ساختاری ساختمان‌های مسکونی شهر با هدف تأثیرپذیری از فرهنگ و اقلیم بومی منطقه مطالعاتی انجام داده است. در این پژوهش نویسنده اعتقاد دارد که ساخت یک مسکن، نمونه‌ای از پدیده‌های فرهنگی بوده و شکل مسکن، ساختار و نظم فضایی آن، عمیقاً متأثر از محیطی فرهنگی می‌باشد که مسکن به آن تعلق خواهد داشت.

با توجه به تعاریف صورت گرفته، فرهنگ به‌عنوان نظامی منسجم دیده می‌شود که از آن می‌توان در دو سطح کلی تقسیم‌بندی نمود: سطح اول یا سطح بیرونی مربوط به مظاهر فرهنگ هستند که در عرصه‌های مختلف زندگی (اخلاق، رفتار و الگوهای فعالیت، الگوهای خانواده، مصنوعات و غیره) عینیت پیدا می‌کنند و سطح دوم به اشتراک‌های فرهنگی اشاره می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان عناصر محتوایی یا سطوح درونی فرهنگ اشاره کرد. این مشترکات طبق تعاریف، عناوینی هستند که به واسطه علاقه‌ای که بین عموم مردم جامعه وجود دارد که به سطوح مختلف زندگی آن جهت داده و نسل به نسل منتقل می‌شوند (پوردیهیمی، ۱۳۹۰).

۴. چارچوب نظری فرهنگ

با توجه به تعاریف بیان شده از فرهنگ و جمع‌بندی‌های صورت گرفته، بین فرهنگ و مظاهر بیرونی ارتباطی است

با چارچوب‌های نظری طرح شده در این تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و نتایج به‌صورت جدول‌های سطح‌بندی شده جهت نشان دادن تأثیر سلسله‌مراتب فرهنگ بر ساختار خانه‌های مورد مطالعه در منطقه ارائه شدند.

۳. پیشینه پژوهش

فرهنگ یک موضوع با تأثیر گسترده بر طراحی است. بر همین اساس بهتر است قبل از تجزیه و تحلیل در زمینه چگونگی اثر فرهنگ بر شکل خانه‌های سنتی و بومی، ابتدا با مقوله فرهنگ آشنا شده تا با نزدیک کردن آن به موضوع طراحی شناخت دقیق‌تری از ارتباط بین آن‌ها پیدا نمود. هافستد به دو نوع فرهنگ متمایز اعتقاد دارد، یک نوع فرهنگی که در موسیقی، نقاشی، ادبیات و امثال آن آشکار می‌شود و بر یک محصول «دست ساخته» تأکید دارد و میراث فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهد و دیگری «نرم‌افزارهای ذهنی» است که پدیده‌های تجمیعی است به‌طوری‌که همه مردمی که در یک محیط زندگی می‌کنند در آن شریک هستند. در نتیجه اعضای یک گروه را از گروه‌های دیگر آشکار می‌کند. این نوع فرهنگ می‌تواند شامل نظام قانونی، نهادها، چگونگی اداره جامعه، الگوهای خانواده و هنجارهای اجتماعی باشد (Hofstede, Hofstede, & Minkov, 2010). مکیونیس فرهنگ را نوعی طرز فکر، احساس و عملکرد افرادی که در کنار یکدیگر سبک زندگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد، معرفی کرده است (Ma-cionis & Keen, 2009).

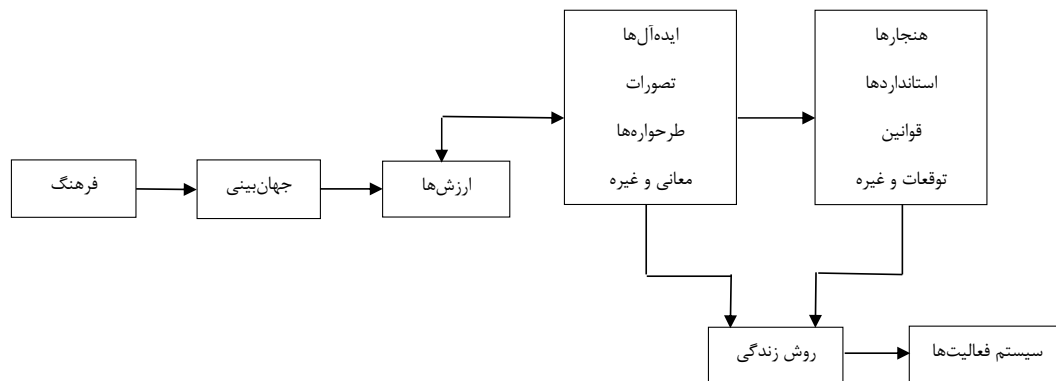
راپاپورت^۲ در دهه ۱۹۷۱ میلادی به کلیات فرهنگ و عوامل مؤثر آن بر محیط‌های ساخته شده پرداخته است، لذا سبک زندگی را به‌عنوان بخشی از اجزای فرهنگ دانسته که بر سیستم فعالیت‌ها و در نهایت بر انتخاب کیفیت‌های زندگی و محیط ساخته شده اثر خواهد گذاشت (Rapoport, 1998). همچنین ایشان بیان نمودند که هدف اصلی خانه ایجاد محیطی با بهترین شکل بوده که هماهنگ با سبک زندگی یک قوم باشد (راپاپورت، ۱۳۸۸). لارنس در زمینه سبک زندگی و چگونگی استفاده از فضا این‌چنین بیان می‌کند که درک معانی نهفته در طراحی خانه‌ها، چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون‌مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. سبک زندگی نقش محوری در این ارتباط ایفا می‌کنند، که می‌توانند در کشف شیوه استفاده از فضاها بسیار سودمند باشند (Lawrence, 1995).

شاین در سطح‌بندی از مقوله فرهنگ از ارزش‌ها، اول به‌عنوان لایه درونی و مظاهر فرهنگ یا مفروضات اساسی (شامل همه پدیده‌هایی که یک نفر می‌بیند، می‌شنود و لمس می‌کند) که به‌عنوان لایه بیرونی یاد می‌کند و سپس به هنجارها و قواعد رفتاری بین آن‌ها به‌عنوان سطح

برجسته مورد تعریف و تمجید مردم قرار می‌گیرند، آشکار می‌شود و در لایه‌های بیرونی تر ظاهر می‌شود. سطح‌بندی دیگری که در ارتباط با موضوع پژوهش ما به‌طور مستقیم نقش دارد، سطح‌بندی راپاپورت برای فرهنگ می‌باشد که به‌طور مشخص در رابطه با شکل خانه صورت گرفته است. در سطح‌بندی راپاپورت برای محدود نمودن موضوع فرهنگ در ارتباط با شکل خانه‌ها، اول به کشف لایه‌ها و ابعاد نهفته فرهنگ پرداخته است. ایشان فرهنگ را سرچشمه جهان‌بینی و سپس جهان‌بینی را سرچشمه ارزش‌های معنوی معرفی می‌کند. در نهایت این ارزش‌ها را به‌عنوان عامل اصلی سازنده سبک زندگی معرفی می‌نماید که با جهت دادن به چگونگی انجام این فعالیت‌ها می‌تواند به‌طور مستقیم به شکل و ساختار خانه‌ها تأثیرگذار باشد (Rapoport, 1969; 1998).

که از طریق عناصر محتوایی و لایه‌های پنهان مقوله فرهنگ صورت می‌گیرد (Tong, & Robertson, 2008)؛ لذا شناخت و درک عمیق‌تر این ارتباط می‌تواند به شناخت عناصر محتوایی و سطوح پنهان آن کمک کند. به همین منظور بسیاری از پژوهشگران نظریاتی برای دسته‌بندی عنصرهای محتوایی فرهنگی ارائه نموده‌اند. از آن جمله هافستد که در سطح‌بندی مقوله فرهنگ، ارزش‌های معنوی را به‌عنوان لایه درونی و شعایر و مناسک‌ها شامل: فعالیت‌ها و الگوهای رفتار اجتماعی از قبیل نحوه تعارف و احترام گذاشتن به دیگران، تشریفات اجتماعی و غیره را به‌عنوان سطوح بیرونی فرهنگ معرفی نموده است و از نمادها و شخصیت‌ها، به‌عنوان سطوح میانی یاد نموده است. در واقع به نظر ایشان ارزش‌ها و باورها ابتدا در الگوهایی که شامل معانی مشخص و قابل درک برای عموم جامعه هستند یا در شخصیت‌هایی که به جهت ویژگی‌های

شکل ۱: تجزیه فرهنگ از منظر راپاپورت (۲۰۰۳)



(راپاپورت، ۲۰۰۳)

به شناخت ارتباط بین شیوه زندگی و شکل خانه‌ها شود (Rapoport, 1998; Kokurina, 2006).

با توجه به دسته‌بندی‌هایی که از فرهنگ ارائه شده است، باورها و ارزش‌ها را می‌توان به‌عنوان رکن‌های اساسی و مهم مقوله فرهنگ به‌حساب آورد؛ اما نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که باورها و ارزش‌های بیان شده از کجا استخراج می‌شوند؟ پژوهشگرانی نظیر راپاپورت، ارزش‌های یاد شده را برگرفته از نوع جهان‌بینی مردم یک جامعه می‌بینند. در دیدگاه دینی جهان‌بینی را زاینده باورها و ارزش‌های مورد تأیید در یک جامعه می‌دانند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴).

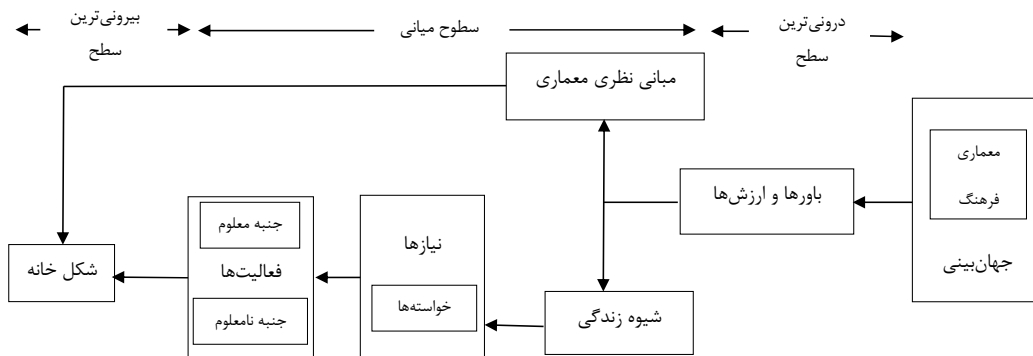
تفاوت‌هایی بین این دیدگاه‌ها وجود دارد؛ در اولین دیدگاه، فرهنگ از جهان‌بینی سرچشمه گرفته بود، ولی در دیدگاه دوم فرهنگ از نوع جهان‌بینی زاینده شده است. در پژوهش حاضر دیدگاه دوم مورد بحث و تأیید قرار گرفته شده که در آن بیش‌تر به جنبه‌های معنوی یا غیرمادی مؤثر بر فرهنگ ملت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ دارای عناصر

بر این اساس، ایشان رابطه بین فرهنگ و شکل خانه را در مطالعه ارزش‌های ذاتی و ویژه گروه فرهنگی و نیز ارتباطات بین این ارزش‌ها و سبک زندگی و فعالیت‌های آن‌ها جست‌جو می‌کند (Rapoport, 1969; 1998)؛ لذا تمامی این فعالیت‌ها می‌تواند به‌صورت مستقیم بر شکل خانه‌ها تأثیر گذاشته و کلیدی باشد برای درک این‌که چگونه فرهنگ می‌تواند به شکل و ساختار خانه‌ها اثر گذارد. از نظر راپاپورت این فعالیت‌ها از دو لحاظ مورد بررسی می‌باشد: جنبه معلوم و جنبه نامعلوم. جنبه معلوم هر فعالیت می‌تواند نشان از کارکرد ساده آن فعالیت باشد که مطلب خاصی در مورد فرهنگ نمی‌تواند ارائه دهد و بیش‌تر با نیازهای افراد مرتبط است. ولی جنبه نامعلوم هر فعالیت، به خواسته‌های افراد توجه دارد و در بیش‌تر موارد این خواسته‌ها برتر و مهم‌تر از نیازها می‌باشند. به‌طوری‌که تمامی این خواسته‌ها به چگونگی انجام فعالیت‌های مورد نیاز شکل و معنا می‌دهند. از این رو هر جنبه نامعلوم یا همان فعالیت‌های پنهان در هر فرهنگی منحصر به فرد می‌باشد و تجزیه و تحلیل این فعالیت‌ها می‌تواند منجر

فرهنگ‌ها و متمایز کردن آن‌ها از هم دیگر خواهیم بود. در واقع، برای پی‌بردن به چگونگی تأثیرپذیری این عرصه‌ها از فرهنگ، باید سطوح قبلی و ارتباط آن‌ها را با هم مورد تحلیل قرار داد (یزدانفر، حسینی، و زرودی، ۱۳۹۱).

درونی و بیرونی به هم پیوسته‌های است که درونی‌ترین سطح آن، ارزش‌های و باورها قرار می‌گیرد و از نوع جهان‌بینی مردم استخراج می‌شود و در بیرونی‌ترین سطح آن مظاهر فرهنگ آشکار می‌شود و به واسطه این مظاهر که در عرصه‌های مختلف زندگی وجود دارد قادر به شناسایی

شکل ۲: مدل کلی برای سطح‌بندی فرهنگ در رابطه با شکل خانه



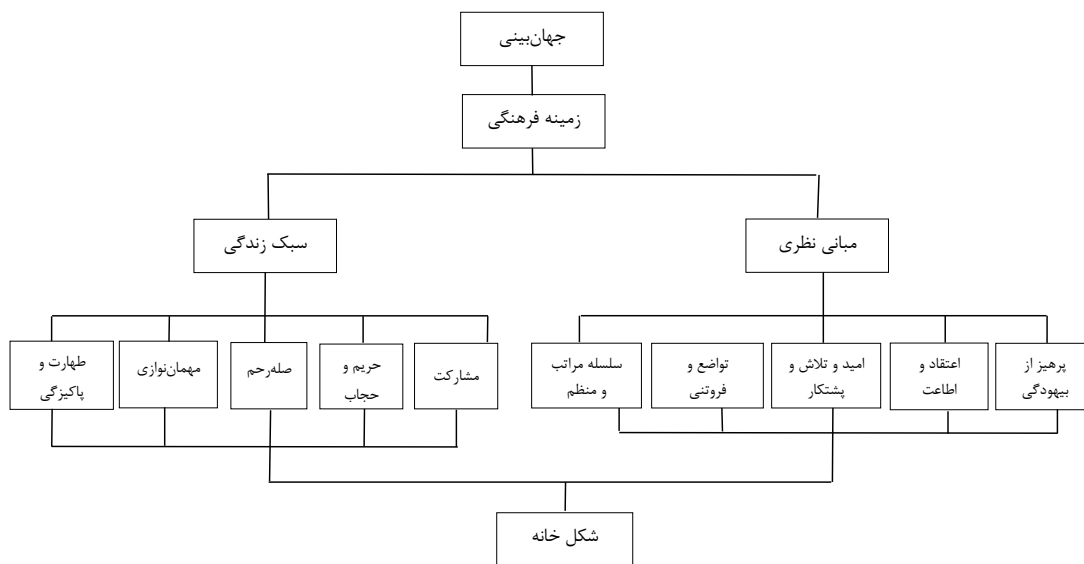
(یزدانفر، حسینی، و زرودی، ۱۳۹۱)

استناد نظر بسیاری از محققان براساس شناخت مستقیم باورها و ارزش‌های مطرح شده در جامعه ما به‌دست آمده و مؤلفه‌های سبک زندگی بر اساس مطالعه مردم‌شناسی از طریق مصاحبه با ساکنان این خانه‌ها، استخراج شده است. این موارد به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگی و سبک زندگی تأثیرگذار بر فرم خانه‌ها مطرح شده است.

۵. مطالعه موردی و یافته‌ها

با توجه به این‌که تاکنون تحقیق میدانی در خصوص خانه‌های بومی روستایی منطقه مرکزی مازندران صورت نگرفته است، در این مرحله قصد پژوهش بر این است تا بر اساس مدل ارائه شده در شکل (۳) نمونه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. مؤلفه‌های مبانی نظری معماری به

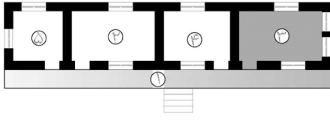
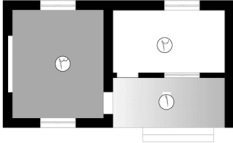
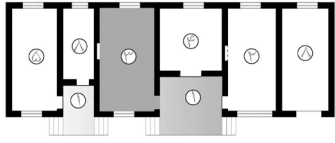
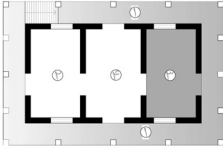
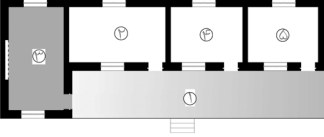
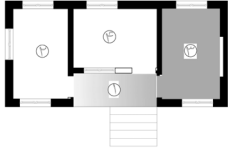
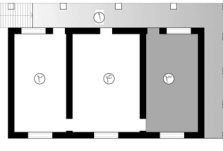
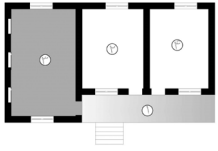
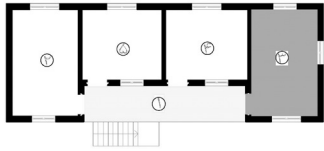
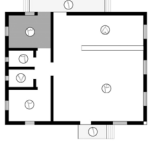
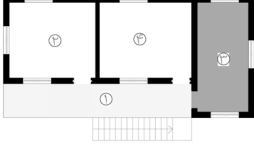
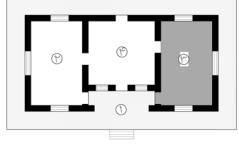
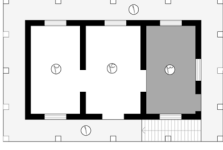
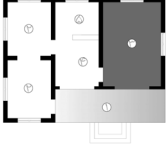
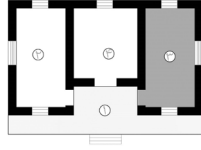
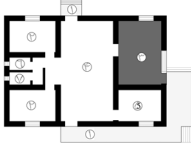


شکل ۳: مدل کلی برای سطح‌بندی فرهنگ در رابطه با شکل خانه



اساس الگوهای فرمی طبقه‌بندی شده‌اند و در نهایت ۱۸ خانه مورد ارزیابی نهایی قرار گرفته است.

در این راستا ارزیابی مدل مذکور را روی شکل خانه‌های بومی نمونه‌های مورد مطالعه محدود کرده‌ایم. انتخاب خانه‌ها به‌صورت تصادفی از روستاهای بابل و بابلسر از بین بیش از ۱۰۰ مورد (مشاهده، عکسبرداری و کروکی) صورت گرفته است، خانه‌های متشابه حذف شده و بر

جدول ۱: الگوهای سازمان یافته فضاهای داخلی با نحوه جداسازی عرضه عمومی و خصوصی در نمونه خانه‌های بومی منطقه مورد مطالعه

یک طبقه	خانه ۱	یک طبقه	خانه ۷	یک طبقه	خانه ۱۳
					
دو طبقه	خانه ۲	یک طبقه	خانه ۸	یک طبقه	خانه ۱۴
					
دو طبقه	خانه ۳	یک طبقه	خانه ۹	دو طبقه	خانه ۱۵
					
دو طبقه	خانه ۴	دو طبقه	خانه ۱۰	یک طبقه	خانه ۱۶
					
دو طبقه	خانه ۵	دو طبقه	خانه ۱۱	یک طبقه	خانه ۱۷
					
یک طبقه	خانه ۶	دو طبقه	خانه ۱۲	یک طبقه	خانه ۱۸
					

عرصه عمومی
 عرصه خصوصی، ۱. ورودی؛ ۲. اتاق؛ ۳. اتاق مهمان (پذیرایی)؛ ۴. نشیمن؛ ۵. آشپزخانه؛ ۶. سرویس؛ ۷. حمام؛ ۸. انبار.

این منطقه، وجود سه گونه فضایی: گونه باز (حیاط)، بسته (اتاقها) و نیمه باز (ایوان) به صورت همزمان می‌باشد (حسن‌زاده و فلاح، ۱۳۹۲).

۵-۱-۱- فضاهای باز و نیمه‌باز (حیاط و ایوان)

دو گونه فضایی از هم جدا نشدنی در خانه‌های بومی این منطقه، ایوان و حیاط می‌باشند که به واسطه وجود فعالیت‌های روزمره در زندگی (دامپروری، کشاورزی

برای آشنایی با فرهنگ و سبک زندگی مردمان این منطقه و تأثیر این عوامل بر روی شکل خانه‌هایشان، مشاهدات میدانی انجام شده در نواحی روستایی محدوده تحقیق می‌باشد. با مشاهدات انجام شده، عناصر معماری شکل‌دهنده این خانه‌ها را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

۵-۱-۱- عناصر فضایی

اساسی‌ترین ویژگی نظام ساختار فضایی خانه‌های بومی

و همسایه‌ها (جهت تعاملات اجتماعی) نیز به کار گرفته می‌شود (شکل ۴).

و آشپزی) از پویایی خاصی برخوردار هستند. همچنین ایوان و حیاط به‌عنوان فضایی برای ایجاد ارتباط با محیط

شکل ۴: نمونه ایوان در خانه‌های بومی روستاهای مورد مطالعه



لوازم کاربردی و دکوری، گنجه‌های بزرگ در داخل دیوار برای جالباسی یا رختخواب، پشتی‌ها و تشکچه‌های متعدد به‌منظور نشستن در تمام اتاق‌ها حکایت از این نوع و سبک زندگی سنتی دارد (شکل ۵). آشپزی کدبانوی خانه نیز در برخی از خانه‌ها، در خارج منزل روی آتش صورت می‌گرفته است، به‌طوری‌که در این نمونه‌ها، ایوان خانه ارتباط عملکردی بسیار نزدیکی با آن دارد. در نمونه‌های دیگر این خانه‌ها، آشپزخانه در انتهای‌ترین فضای داخلی خانه مورد استفاده قرار گرفته تا در عین راحتی در امر آشپزی، حریم زن‌خانه نیز حفظ شود. از دیگر فضاهای بسته در خانه‌های بومی وجود سرویس‌های بهداشتی می‌باشد که با توجه به شرایط اقلیمی و نبود آب لوله‌کشی، در بیرون از خانه ساخته شده‌اند. این طرح علاوه بر کمک به حفظ نظافت و پاکیزگی فضاهای داخلی، مانع از انتقال رطوبت به اجزا و ساختار فضاهای داخلی و از بین رفتن آن‌ها بوده است (یزدانفر، حسینی، و زرودی، ۱۳۹۱).

۵-۱-۲- فضاهای بسته

فضاهای بسته یا فضاهای داخلی خانه‌های بومی، از یک یا چندین اتاق، آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی تشکیل شده‌اند. اتاق‌ها فضای بسته با چند عملکرد می‌باشند که تمام فعالیت‌های یک خانواده از قبیل خوابیدن، غذاخوردن، دور هم‌نشینی و غیره می‌تواند در آن‌ها انجام گیرد. از این رو، مردمان بومی این منطقه، این فضای اتاق را «خانه» می‌نامند و در نامگذاری به مواردی همچون محل قرارگیری، عملکرد و اندازه اتاق توجه می‌نمایند. از آن جایی که اغلب خانواده‌های بومی این منطقه به خاطر شرایط شغلی (کشاورزی و دامپروری) و نیاز به نیروی انسانی پر جمعیت بوده و پیش‌بینی تعداد اتاق‌های اختصاصی برای هر نفر امکان‌پذیر نبوده است. لذا بر این اساس، طراحی داخلی اتاق‌ها به گونه‌ای می‌باشد که نیاز تمام فعالیت‌های خانواده را در بر می‌گیرد. وجود تعداد زیاد طاقچه‌های برای

شکل ۵: تصاویری از تاقچه در خانه‌های بومی روستاهای مورد مطالعه



۵-۱-۳- سازمان فضایی

ویژگی‌های بارزی که ارتباط مستقیم با ساختار فضایی این خانه‌ها دارد، الگوی پلانی این خانه‌ها و روابط عملکردی آن‌ها است. با توجه به بررسی‌های انجام شده، غالب الگوهای خانه‌های بومی در این منطقه را می‌توان به سه الگوی "I" یا خطی، "U" و "L" تقسیم نمود (شکل ۶). برجسته‌ترین عواملی که در این الگوها مورد توجه سازندگان این خانه‌های بومی قرار گرفت، جداسازی بین حریم خصوصی و عمومی (خانواده و مهمان) قبل از وارد شدن به داخل خانه بوده

است بدین صورت که در الگوها و نمونه‌های ذکر شده، یک ورودی مجزا برای مهمان وجود داشته که از ایوان به‌عنوان پیش ورودی استفاده می‌شده است؛ یکی از نکات مهمی که از اعتقادات مردم این منطقه سرچشمه می‌گیرد، قرار دادن نمای اصلی ساختمان در جهت قبله و یا به سمت مشرق می‌باشد مگر در مواردی که شکل و موقعیت زمین محدودیت ایجاد می‌کند. بر اساس مشاهدات و اظهارات اهالی این منطقه دلیل نوع جهت‌گیری خاص به دلایل مختلف از جمله اعتقادات مذهبی بوده است.

شکل ۶: گونه U شکل (سمت راست)، گونه L شکل (سمت وسط)، گونه خطی (سمت چپ)



جدول ۲: نمونه ای از الگوهای فرمی خانه‌های بومی منطقه مورد مطالعه

الگو خطی: مورد استفاده برای خانه‌های یک و دو طبقه	الگو L شکل: مورد استفاده برای خانه‌های یک و دو طبقه	الگو U شکل: مورد استفاده برای خانه‌های یک و دو طبقه
یک طبقه خانه ۱	یک طبقه خانه ۷	یک طبقه خانه ۱۳
دو طبقه خانه ۲	یک طبقه خانه ۸	یک طبقه خانه ۱۴
دو طبقه خانه ۳	یک طبقه خانه ۹	دو طبقه خانه ۱۵
دو طبقه خانه ۴	دو طبقه خانه ۱۰	یک طبقه خانه ۱۶
دو طبقه خانه ۵	دو طبقه خانه ۱۱	یک طبقه خانه ۱۷
یک طبقه خانه ۶	دو طبقه خانه ۱۲	یک طبقه خانه ۱۸

۵-۱-۴- فرم کالبدی

تزئینات عناصر طبیعی همچون گلدان‌های گل بروی روی طاقچه پنجره‌ها یا زرده‌های چوبی ایوان محدود می‌شود که به محیط زندگی لطافت خاصی می‌بخشید. با توجه به ارتباطی که بین ساختار کالبدی خانه‌ها و بستری که ساختمان در آن بنا شده است، سازندگان توجه بیشتری به هماهنگی در رنگ، مصالح و فرم‌های مورد استفاده در بافت زمینه و اقلیم منطقه داشتند. برای سقف این ساختمان‌ها از فرم شیب‌دار استفاده می‌کردند که علاوه بر پاسخ دادن به محدودیت‌های اقلیمی (ایجاد حایل در برابر سرمای زمستان، بارش شدید و گرمای تابستان)، هماهنگی با خط آسمانی ایجاد شده بارشته کوه‌های البرز بود که از تمام نقاط این منطقه قابل رؤیت می‌باشد (شکل ۷).

یکی از ویژگی‌های برجسته فرم خانه‌های بومی این منطقه، استفاده از شکل‌های هندسی ساده و منظم، متناسب با تفکر انسانی و مصالح بومی و طبیعی منطقه در ساختن آن‌ها می‌باشد. تمام موارد ذکر شده نشان درون‌گرا بودن معماری بومی این منطقه همانند معماری بومی در سایر نقاط ایران است به طوری که ساختار بیرونی ساختمان بسیار ساده بدون هیچ گونه خودنمایی و تجملات بوده که می‌توان گفت این طرح پوششی برای فضای نفیس درون خانه به حساب می‌آمد. در برخی از مواردی هم که بیرون ساختمان از تزئینات استفاده می‌شد، به طور عمده این

شکل ۷: هماهنگی مصالح و رنگ با بافت طبیعی اطراف در خانه‌های بومی روستاهای مورد مطالعه



جدول ۳: ارزیابی گونه‌شناسی معماری و فیزیک ساختمان

نمونه خانه	خانه ۱	خانه ۲	خانه ۱۰	خانه ۱۱	خانه ۱۴	خانه ۱۵
الگوی فرمی و جهت قرارگیری	الگوی خطی با کشیدگی شرقی - غربی	الگوی خطی با کشیدگی شرقی - غربی	الگوی L شکل با کشیدگی شرقی - غربی	الگوی L شکل با کشیدگی شرقی - غربی	الگوی U شکل با کشیدگی شرقی - غربی	الگوی U شکل با کشیدگی شرقی - غربی
پوشش ساختمان	بام با جرم حرارتی متوسط	بام با جرم حرارتی متوسط	بام با جرم حرارتی متوسط	بام با جرم حرارتی متوسط	بام با جرم حرارتی متوسط	بام با جرم حرارتی متوسط
دیوارها	دیوار آجری با جرم حرارتی بالا	دیوار آجری با جرم حرارتی بالا	دیوار آجری با جرم حرارتی بالا	دیوار آجری با جرم حرارتی بالا	دیوار آجری با جرم حرارتی بالا	دیوار آجری با جرم حرارتی بالا
بازشوها	پیشامدگی سقف و ایوان در جنوب	پیشامدگی سقف و ایوان در چهار جهت	پیشامدگی سقف و ایوان در جنوب غربی	پیشامدگی سقف و ایوان در جنوب شرقی	پیشامدگی سقف و ایوان در شرق	پیشامدگی سقف و ایوان در جنوب
ابعاد - جهت	جنوب=۳۱.۸ درصد شمال=۲۱.۲ درصد	جنوب=۲۴.۲ درصد شمال=۲۰.۵ درصد شرق=۴۵.۰ درصد غرب=۱۸.۲ درصد	جنوب=۳۳.۲ درصد شمال=۲۵.۰ درصد شرق=۱۷.۲ درصد	جنوب=۲۴.۲ درصد شمال=۲۲.۵ درصد شرق=۳۸.۰ درصد غرب=۱۸.۲ درصد	جنوب=۲۷.۷ درصد شمال=۲۰.۵ درصد شرق=۱۱.۰ درصد	جنوب=۳۰.۱ درصد شمال=۲۱.۰ درصد شرق=۱۳.۰ درصد
سازماندهی فضایی	سازماندهی خطی و استفاده منعطف از فضاها نسبت به نیاز استفاده‌کنندگان جهت فراهم آوردن ارتباط خوب میان اعضای خانواده	سازماندهی خطی و استفاده منعطف از فضاها نسبت به نیاز استفاده‌کنندگان جهت فراهم آوردن ارتباط خوب میان اعضای خانواده	سازماندهی خطی و استفاده منعطف از فضاها نسبت به نیاز استفاده‌کنندگان جهت فراهم آوردن ارتباط خوب میان اعضای خانواده	سازماندهی مجموعه‌ای و استفاده منعطف از فضاها نسبت به نیاز استفاده‌کنندگان	سازماندهی خطی و استفاده منعطف از فضاها نسبت به نیاز استفاده‌کنندگان جهت فراهم آوردن ارتباط خوب میان اعضای خانواده	سازماندهی خطی و استفاده منعطف از فضاها نسبت به نیاز استفاده‌کنندگان جهت فراهم آوردن ارتباط خوب میان اعضای خانواده

نمونه خانه	نمونه	خانه ۱	خانه ۲	خانه ۱۰	خانه ۱۱	خانه ۱۴	خانه ۱۵
فرم و جهت پله	پله یک طرفه جنوب	پله یک طرفه شمال	پله یک طرفه جنوب	پله یک طرفه جنوب	پله سه طرفه جنوب	پله یک طرفه شرق	پله یک طرفه جنوب
سایت و محوطه‌سازی	ویلایی با حیاط، انبار و سرویس در حیاط	ویلایی با حیاط و وسیع، انبار و سرویس در حیاط	ویلایی با حیاط و وسیع، انبار و سرویس در حیاط	ویلایی با حیاط و وسیع، انبار و سرویس در حیاط	ویلایی با حیاط و وسیع، انبار، کوتام و سرویس در حیاط	ویلایی با حیاط و وسیع، انبار و سرویس در حیاط	ویلایی با حیاط و وسیع، انبار و سرویس در حیاط
فرم و پوشش سقف	شیبدار دو طرفه از جنس حلب	شیبدار چهار طرفه از جنس حلب	شیبدار چهار طرفه از جنس حلب	شیبدار چهار طرفه از جنس حلب	شیبدار دو طرفه از جنس حلب	شیبدار چهار طرفه از جنس حلب	شیبدار دوطرفه از جنس حلب

۶. تحلیل یافته‌ها

طی بررسی و مشاهدات حضوری و هم‌چنین انجام مصاحبه با اهالی خانه‌های بومی در روستاها، اشاره شد که شکل خانه‌ها تأثیرپذیری مستقیم از الگوی فعالیت‌ها و سبک زندگی مردم داشته است. هم‌چنین از روی پاسخ اهالی، مشخص شد که موارد اشاره شده می‌توانند به‌عنوان شواهدی برای بسیاری از مفاهیم ارزشی همانند امیدواری، تلاش، توکل و اطاعت نمودن از خدا، قناعت، نظم، تعاون، تواضع، حجاب و محرمیت، صلح ارحام، تکریم مهمان و طهارت باشند.

با جمع‌بندی و دسته‌بندی می‌توان وجوه و ابعادی که ساکنان آن را به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر شکل خانه‌هایشان مطرح نمودند در قالب مفاهیم ارزشی قرارداد و سلسله‌مراتب تأثیر مقوله فرهنگ بر شکل خانه‌هایشان را دسته‌بندی نمود.

در این پژوهش، دسته‌بندی ذکر شده را می‌تواند در دو بخش بیان کرد: بخش اول مربوط به مبانی نظری به‌وجود آمده که مستخرج از ارزش‌های جهان‌بینی مردم در معماری خانه‌های بومی می‌باشد (جدول ۴). بخش

دوم مربوط به تأثیر ارزش‌های بیان شده بر روی طراحی معماری خانه‌های بومی از طریق جهت‌دهی به سبک زندگی و الگوی رفتاری افراد در این مناطق است (جدول ۵).

در بخش اول با مشاهده و بررسی گونه‌ها و هم‌چنین دسته‌بندی این ویژگی‌ها، به مقایسه تطبیق شده برای علت‌های هر ویژگی به‌عنوان مبانی نظری معماری ایرانی-اسلامی، اشاره شده است. سپس ریشه مبانی ذکر شده در مفاهیم ارزشی که برآمده از نوع جهان‌بینی مردم منطقه است. به‌طور مثال، جهت‌گیری برای ورود به خانه‌های بومی در منطقه به سمت قبله با اصل نمادگرایی در معماری ایرانی-اسلامی تطابق دارد. تمامی این موارد را می‌توان مصداقی برای مفاهیم ارزشی همچون توکل کردن به خدا که در آموزه‌های دینی به آن اشاره شده است، به‌حساب آورد و یا بوم‌آوردی، اصل پرهیز از بیهودگی و خودبسندگی در معماری ایرانی-اسلامی اشاره نمود که خود برگرفته از اصل قناعت می‌باشد که این اصل نیز در آموزه‌های دینی به‌عنوان یکی از مفاهیم ارزشی مهم مطرح شده و سفارش‌های بسیاری در این رابطه صورت گرفته است.

جدول ۴: عوامل تأثیرگذار فرهنگی مبتنی بر مبانی نظری معماری بر فرم خانه

جهان‌بینی	ارزش‌ها	الگوی معماری (فرم خانه)
زیبانه دینی (مبانی نظری معماری ایرانی-اسلامی)	پرهیز از بیهودگی	پرهیز از بیهودگی: استفاده حداکثر از فضا و اجزا مصالح بوم‌آورد: استفاده از مصالح بومی در ساخت خانه (سنگ، چوب و کاهگل) صرفه‌جویی در مصرف انرژی: جهت‌گیری خانه و بازشوها به سمت نسیم خنک روزانه (از سمت دریا) و شبانه (از سمت کوه)، وجود بازشوهای متعدد در فضاهای داخلی برای ایجاد کوران.
	اعتقاد و اطاعت	جهت‌گیری به سمت قبله: جهت‌گیری نمای اصلی ساختمان (نمایی که ورودی در آن قرار دارد) اکثراً به سمت قبله است مگر در صورت وجود محدودیت‌های مربوط به شکل زمین (برای نشان دادن جهت قبله خصوصاً برای میهمان و نیز نوعی ارتباط استعاری بین زمان خروج از خانه و شروع فعالیت‌های روزانه با جمله «خدا یا به امید تو».
	امیدواری، تلاش و پشتکار	پنجره برخی از اتاق‌ها به سمت شرق بوده تا با طلوع خورشید با امید به خدا برای کار بیرون آماده شوند (نوعی ارتباط استعاری بین زمان خروج از خانه و شروع فعالیت‌های روزانه با طلوع خورشید).

جهان‌بینی	ارزش‌ها	الگوی معماری (فرم خانه)
زمینه دینی (مبانی نظری معماری ایرانی - اسلامی)	تواضع و فروتنی	درونگرا بودن: برتری جلوه‌های داخلی خانه نسبت به جلوه‌های بیرونی آن فرم هماهنگ با طبیعت و بافت پیرامون (از لحاظ مصالح و رنگ): مصالحی مثل چوب و کاهگل که دارای رنگ‌های گرم هستند و نیز رنگ‌های روشن در پوشش دیوارها (به‌طور عمده سفید) که مکمل رنگ‌های گرم مصالح باشند.
	سلسله مراتب و نظم تناسبات فرم، فضا و عملکرد	وجود سلسله مراتب فضایی باز، نیمه‌باز و بسته وجود سلسله مراتب فضایی عمومی و خصوصی استفاده از الگوی خطی و مرکزی در فرم و سازمان فضایی

در بخش دوم به مقایسه تطبیقی ویژگی‌های دسته‌بندی شده گونه‌ها با الگوی فعالیتی خانواده‌ها پرداخته شد تا مشخص شود که در کدام الگوی فعالیتی، ریشه الگوی شکلی مشاهده شده است. سپس با بررسی این که هر الگو به کدام سبک زندگی مرتبط است پرداخته شده است، مفاهیم ارزشی را که موجب پیدایش این شیوه در

زندگی مردم منطقه شد می‌توان آشکار نمود که به صورت مصادیقی برگرفته از نوع جهان‌بینی خانواده است. به‌عنوان مثال، وجود اتاق‌های چند عملکردی در نمونه‌ها، به اشتغال موروثی به‌عنوان الگوی فعالیتی منطبق بوده و خود ناشی از زندگی به شیوه خانواده گسترده است که می‌تواند مصداقی برای اصل تعاون در آموزه‌های دینی باشد.

جدول ۵: عوامل تأثیرگذار فرهنگی مبتنی بر سبک زندگی بر فرم خانه

جهان‌بینی	ارزش‌ها	سبک زندگی	الگوی معماری (فرم خانه)
زمینه فرهنگی سبک زندگی	مشارکت	- خانواده گسترده: تأمین نیروی کار برای تولید - برتری حریم جمعی به حریم خلوت و فردی - زندگی فرزندان در خانه پدری بعد از ازدواج جهت تأمین نیروی انسانی برای کار و تولید	- اتاق‌های چند عملکردی: هر اتاق به عنوان یک خانه مجزا - وجود نداشتن اتاق مجزا برای افراد یا عملکرد خاص مثل اتاق خواب، نهارخوری و غیره.
	حریم و حجاب	- عدم تداخل فعالیت‌های روزمره خانواده با فعالیت‌های مربوط به مهمانی‌ها تحت تأثیر نقش پر رنگ محرمیت	- فعالیت زن در فضای خصوصی آشپزخانه بسته و در انتهای خانه یا در بیرون - پیش‌بینی یک اتاق ویژه مهمانی و ورودی مجزا برای آن - از روی ایوان
	صله ارحام	- دید و بازدید با فواصل زمانی کم - ارتباط قوی همسایگی و محدود نشدن دید و بازدیدها به مهمانی‌های فامیلی	- ایوان ورودی به‌عنوان فضایی برای فعالیت‌های دیداری یا رفت و آمدهای ساده روزمره
	مهمان‌نوازی	- همیشه آماده پذیرایی از مهمان	- یک اتاق همیشه تمیز و آراسته ویژه مهمانی
	طهارت و پاکیزگی	- فطری بودن پاکیزگی - جدایی فضای تر از خشک و تمیز از کثیف	- سرویس بهداشتی در بیرون از خانه - کفشکن قبل از ورود به خانه (پله ایوان)

۷. نتایج

تجزیه و تحلیل نمونه‌های مطرح شده در خصوص نحوه تأثیرپذیری فرم خانه از فرهنگ در گرو شناخت وجوه مختلف و عناصر محتوایی فرهنگ و سبک زندگی و ارتباط بین آن است. این عناصر، از درونی‌ترین سطح تا بیرونی‌ترین سطح، به صورت سلسله‌مراتبی با هم در ارتباط بوده و در نهایت به معماری خانه شکل و جهت می‌دهند. ارزش‌ها و باورهایی که خود منتج از جهان‌بینی مردم جامعه است جزء درونی‌ترین سطح محسوب می‌شود، در بیرونی‌ترین سطح نیز در شکل خانه به عنوان یکی از شاخه‌های معماری و در نتیجه مظاهر فرهنگ جای

می‌گیرد که در نمونه‌های مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته که مبانی نظری معماری و سبک زندگی را شامل می‌شود که از آن طریق بر فرم خانه اثر خواهد گذاشت. این نوع سطح‌بندی در جوامع مختلف به دلیل یکسان بودن کلیات مطرح در هر سطح این قابلیت را دارد که مورد استفاده قرار گیرد با توجه به این که عناصر محتوایی هر سطح در جوامع دیگر می‌تواند متغیر باشد. در بررسی فرهنگ و معماری بومی این منطقه این نتیجه حاصل شد که فرهنگ و آداب و رسوم یک رابطه مستقیم با معماری داشته، معماری خانه‌ها براساس قالب‌های مبانی نظری معماری و سبک زندگی شکل گرفته است. بنابراین

جوامع جدید هستند. امید است با بررسی نقش فرهنگ بر شکل خانه‌های بومی روستاهای جلگه‌ای بخش مرکزی مازندران با انطباق و ارتقای فرم‌های بومی تأثیر یافته از فرهنگ و سبک زندگی به همراه به‌کارگیری روش‌های تحلیلی مهندسی نوین در شناخت فناوری‌های بومی، شبیه‌سازی مجازی و آزمایشگاهی الگوهای موفق معماری بومی و تئوریزه کردن مبانی نظری این خانه‌ها بتوانیم با نگاهی ریشه‌ای در رابطه با رشد و یا افول شاخص‌های کیفی فرهنگ و سبک زندگی، در اصلاح و تقویت مطلوب طراحی خانه‌های مدرن در روستاهای این منطقه متمرکز باشیم.

شکل و سازماندهی معماری هر منطقه متأثر از محیط فرهنگی آن است. در چند دهه اخیر با تحولات عظیم در جوامع مختلف که در پی فرآیند پیشرفت تکنولوژی و فنون به‌وجود آمد، جلوه‌های مختلف زندگی نیز تغییر یافته و در واقع روند تکامل فرهنگ که در جوامع سنتی به آهستگی صورت می‌گرفت اکنون با سرعت فرآیندهای معانی متفاوت یافت. تغییرات صورت گرفته در فرهنگ و سبک زندگی بی‌شک در فضای سکونت‌ی مردم روستا پدیدار شده، روستاهای کوچک با خانه‌های بزرگ و فضای باز، جای خود را به ساختمان‌های عظیم و چند طبقه داده است. در واقع این صورت‌های معماری جدید نیز به نوعی بازتاب اخذ فرهنگ جدید و روش‌های نوین زندگی در


پی‌نوشت


1. Başakman
2. Rapoport

فهرست منابع

- ابوالقاسمی، جواد. (۱۳۸۴). طرح مطالعاتی برای دستیابی به سیاست‌های کلان توسعه فرهنگ دینی، موسسه فرهنگی هنری عرش پژوه، تهران، ۳۶-۱۷.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). مسکن و محیط روستایی. فصلنامه فرهنگ و مسکن، ۱۳۴، ۳۲-۴۰.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ و طبیعت، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، تهران.
- حسن‌زاده، محمد و فلاح، میثم. (۱۳۹۲). ساختار و کارکرد در معماری آیینی مازندران، مطالعه موردی سفانفارهای فریدونکنار. فصلنامه توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۳، ۷۹-۹۹.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن، ترجمه: سرو افضلیان، تهران، ناشر حرفه هنرمند.
- عبدالحسینی، جواد. (۱۳۹۰). سازگار کردن طراحی خانه‌های مسکونی تبریز و باکو با فرهنگ و اقلیم بومی. هنر و معماری معماری باغ نظر، ۸(۱۸)، ۲۴-۱۳.
- علی‌آبادی، محمود. (۱۳۹۰). تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری خانه و محله، تهران: مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
- قربانی سی‌سخت، پورمند و یزدان‌پور، آناهیتا. (۱۳۹۲). کنکاشی بر تأثیر متقابل معماری مسکن بر فرهنگ و هویت در جامعه ایرانی، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران.
- یزدانفر، عباس؛ حسینی، یاقر؛ و زردی، مصطفی. (۱۳۹۱). فرهنگ و شکل خانه، مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر. مسکن و محیط روستا، ۱۴۴، ۱۷-۳۱.
- Başakman, M. (1991). Araştırma Projesi: Geleneksel Konut Çevrelerinin Korunması Bağlamında Geleneksel-Bölgesel Mimarinin Yorumlanması ve Modern Çevrelerin Yaratılmasına Işık Tutması: Durum Çalışması Aşağı Ulupınar, Yukarı Ulupınar, Balaban Yerleşmeleri, Fırat Üniversitesi, Elazığ, s.33.
- Hofstede, G., Hofstede, G.J., & Minkov, M. (2010). Cultures and Organizations: Software for the Mind. McGraw-Hill, USA.
- Juergensmeyer, M., & Anhe, H. (2011). Lifestyle, The Sage Encyclopedia of Global Studies. <http://dx.doi.org/10.4135/9781452218557>
- Karana, E., Barati, B., Rognoli, V., & Zeeuw Van Der Laan, A. (2018). Material Driven Design (MDD): A Method to Design for Material Experiences. *International Journal of Design*, 9(2), 35-54. <http://www.ijdesign.org/index.php/IJDesign/article/view/1965/693>
- Karana, E., Blauwhoff, D., Hultink, E.J., & Camere, S. (2018). When the Material Grows: A Case Study on Designing (with) Mycelium-based Materials. *International Journal of Design*, 12(2), 119-136. <http://www.ijdesign.org/index.php/IJDesign/article/view/2918>
- Kokurina, H. (2006). Influences of Acculturation on House Form as Reflected in a Russian Immigrant Group in the United State. A thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts in Interior Design", Washington State University, Department of Interior Design, USA: Washington.
- Lawrence, R. (2005). Influence of Lifestyle on Housing Preferences of Multifamily Housing Residents. Dissertation Submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in Partial Fulfillment of the Requirements.
- Macionis, J., & Keen, P. (2009). Sociology: The Basics. 10/e, Prentice Hall Europe, USA: New Jersey.
- Oikonomou, A., & Bougiatioti, F. (2011). Architectural Structure and Environmental Performance of the Traditional Buildings in Florina, NW Greece. *Building and Environment*, 46(3), 669-689. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2010.09.012>
- Rapoport, A. (1969). House Form and Culture, Englewood Cliffs, CA: Prentice Hall.
- Rapoport, A. (1969). House Form and Culture, Prentice-hall, Englewood Cliffs, USA.
- Rapoport, A. (1998). Using Culture in Housing Design. *Housing and Society*, 25(1-2). <https://doi.org/10.1080/0882746.1998.11430282>
- Rapoport, A. (2003). Cultural Origins of Architecture, (S. Al Rasoul, & A. Babak, Trans.). *Khial Quarterly*, 8.
- Schein, E.H. (2010). Organizational Culture & Leadership, John Wiley & Sons, USA: San Francisco.
- Singh, M.K., Mahapatra, S., & Atreya, S.K. (2009). Bioclimatism and Vernacular Architecture of North-east India. *Building and Environment*, 44, 878-888. <https://isiarticles.com/bundles/Article/pre/pdf/63319.pdf>
- Tong, M.C., & Robertson, K. (2008). Political and Cultural Representation in Malaysian Websites. *International Journal of Design*, 2(2), 67-79. <http://www.ijdesign.org/index.php/IJDesign/article/view/286/167>

- Varmaghani, H., Soltanzadeh, H., & Tahaei, S. (2019). A Comparative Study of the Influence of Culture on Entrances of Qajar Houses in Gilan and Mazandaran. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 11(25), 237-249. http://www.armanshahrjournal.com/article_85112.html?lang=en
- Wang, F., & Liu, Y. (2002). Thermal Environment of the Courtyard Style Cave Dwelling in Winter. *Energy and Buildings*, 34(10), 985-1001. [https://doi.org/10.1016/S0378-7788\(01\)00145-1](https://doi.org/10.1016/S0378-7788(01)00145-1)

<p style="text-align: right;">نحوه ارجاع به این مقاله</p> <p>جعفری، امین و ذبیحی، حسین. (۱۴۰۰). تأثیر فرهنگ بر فرم خانه‌های بومی شمال ایران، مورد مطالعاتی: خانه‌های بومی بابل و بابلسر. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۴(۳۵)، ۷۷-۹۰.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2020.179004.1856 URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_136674.html</p>	
--	---

<p>COPYRIGHTS</p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p>http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</p>	
---	---